

کاسپارف معروف، در بازی شطرنج به یک آماتور باخت.  
همه تعجب کردند و علت باخت را جویا شدند و او این گونه عنوان کرد:  
«در بازی با او نمی‌دانستم که آماتور است. برای همین، با هر حرکت او دنبال نقشه ای که در سر داشت می‌گشتم.  
گاهی به خیال خود نقشه‌اش را خوانده و حرکت بعدی را پیش‌بینی می‌کردم، اما در کمال تعجب حرکت ساده دیگری  
می‌دیدم.  
تمرکز می‌کردم که شاید نقشه جدیدش را کشف کنم. آن قدر در پی حرکت‌های او بودم و دنباله‌رو مسیر او شدم که  
مهره‌های خودم را گم کردم.»

بعد که به سادگی مات شدم فهمیدم حرکت‌های او از سر مهارت نداشتن بود و فقط مهره‌ها را حرکت می‌داد و من از  
لذت بازی غافل شدم چون به دنبال نقشه‌ای بودم که وجود نداشت.  
بازی را باختم اما درس بزرگ‌تری یاد گرفتم که تمام حرکت‌ها از سر حيله نیست.

**نتیجه:**

آن قدر فریب دیده‌ایم و نقشه کشیده‌ایم که صادقانه حرکت کردن را باور نداریم و به دنبال نقشه‌هایش می‌گردیم.  
آنجاست که مسیر را گم می‌کنیم و می‌بازیم.